

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٢٧ / ١١ / ١٤٢٧

٤٦٩٩٧ ✓

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
«پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته تاریخ»

موضوع

روابط دولت ایران با سلاطین و حکام افغان
طی سالهای ۱۲۶۴-۱۲۱۰هـ.ق

استاد راهنما

جناب آقای دکتر ناصر تکمیل همایون

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر الهامه مفتاح

نگارش

یعقوب خزایی

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۲۷

دی ۱۳۸۶

۴۶۹۹۶

کتابخانه اساتید و محققان
موسسه تخصصی زبان
تهران

تقدیم به

پدر و مادر بزرگوارم و برادر عزیزم (شیرزاد) که مشوق و حامی من در تحصیلاتم بودند.

سپاسگزارى

شكر از قادر متعال كه توفيق دست داد تا پاى در عرصه علم گذارم و سپاس از تمام معلمان و دييران و اساتيدى كه در اين راه مرا يارى نمودند.

چه به جاست كه از اساتيد عالى قدر و بزرگوار خویش جناب آقاى دكتر تكميل همایون (استاد راهنما) و سركار خانم دكتر مفتح (استاد مشاور) و جناب آقاى دكتر اشراقى (استاد داور) و تمام كسانى كه راه گشای من در ارائه تحقیقاتم بودند تقدیر و تشكرى خالصانه نمایم.

از خداوند عمر پربركت و موفقیت در تمام مراحل زندگی، برایشان آرزو مندم.

چکیده:

دولت قاجار در مناسبات خود با سلاطین و حکام افغان یک روند چند مرحله‌ای و رو به رشد را طی نمود. در مرحله اول خراسان و دیگر مناطق شرقی ایران مثل کابل و قندهار و هرات تحت سلطه و نفوذ دولت درانی بود و هنوز دولت مرکزی در ایران شکل نگرفته بود.

در مرحله دوم با تأسیس سلسله قجاریه و گسترش نفوذ و قدرت این دولت در مناطق شرق ایران، خراسان و هرات مسترد شد، اما کابل و قندهار تحت استیلای دولت درانی باقی بود.

در مرحله سوم با سقوط امپراطوری درانی و مستقل شدن هر کدام از ایالات سه گانه (قندهار، کابل، هرات) تحت حکمرانی خاندان محمدزایی دولت قاجار توانست با والیان سه ایالت یاد شده مناسبات دوستانه برقرار کند و دو ایالت قندهار و هرات به طور کامل تحت تابعیت دولت ایران درآمدند.

کلید واژه:

قاجار، افغان، درانی، روابط خارجی، انگلستان

فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۲	کلیات تحقیق
۲	۱- طرح موضوع
۴	۲- سؤال‌های اصلی تحقیق
۴	۳- فرضیه‌های تحقیق
۴	۴- سابقه تحقیق
۵	۵- ضرورت انجام تحقیق
۵	۶- اهداف تحقیق
۶	۷- کاربرد تحقیق
۶	۸- روش انجام تحقیق
۷	۹- معرفی منابع
۱۲	فصل اول: افغانه قبل از تأسیس سلسله قاجاریه
۱۳	۱- اصل و نسب افغانها
۱۵	۲- افغانه و دولت صفوی
۱۷	۳- ایران پس از قتل نادرشاه
۱۹	۴- بنیاد سلطنت احمدخان ابدالی
۲۲	۵- پایان کار عادل‌شاه و سلطنت ابراهیم‌شاه

صفحه	عنوان
۲۴	۶- روابط شاه سلیمان دوم با احمدشاه درانی
۲۶	۷- اولین هجوم احمدشاه به خراسان
۲۸	۸- هجوم دوم احمدشاه به خراسان
۳۰	۹- آخرین هجوم احمدشاه به خراسان
۳۲	۱۰- تیمورشاه درانی
۳۳	۱۱- روابط تیمورشاه با خوانین خراسان
۳۵	نتیجه گیری
۳۷	فصل دوم: مناسبات دولت قاجار با زمانشاه درانی
۳۸	فصل سوم: روابط آقامحمدخان قاجار با زمانشاه درانی
۳۹	درآمد
۴۰	۱- تأسیس سلسله قاجاریه
۴۱	۲- تسخیر خراسان
۴۴	۳- روابط آقامحمدخان با تیمورشاه درانی
۴۵	۴- آغاز روابط آقامحمدخان با زمانشاه درانی
۴۷	۵- تبادل سفرا
۵۳	۶- نتایج قتل آقامحمدخان
۵۶	بخش دوم: مناسبات فتحعلیشاه قاجار با زمانشاه درانی
	درآمد

صفحه	عنوان
۵۷	۱- پناهنده شدن محمود درانی به ایران
۵۹	۲- سفارت مهدی علی خان
۶۲	۳- یورش دوم فتحعلیشاه به خراسان
۶۶	۴- قتل پاینده خان برکزی و تبعات آن
۶۸	۵- سفارت سرجان ملکم
۷۱	۶- سقوط زمانشاه و نگاه اجمالی بر مناسبات وی با فتحعلیشاه
۷۴	نتیجه گیری
فصل سوم: مناسبات دولت قاجار با سلاطین و حکام افغان طی سال های (۱۲۵۰-۱۲۱۶ هـ ق)	
۷۶	
۷۷	درآمد
بخش دوم: روابط دولت قاجار با حکام افغان از سقوط زمانشاه تا برآمدن خاندان محمدزایی	
۷۸	
۷۹	۱- برانداختن سلطنت افشاری خراسان
۸۰	۲- مناسبات محمودشاه درانی با فتحعلیشاه
۸۵	۳- شرایط و وضعیت اروپا
۸۷	۴- معاهده پشاور و دیگر اقدامات دولت هند
۹۱	۵- روابط والی خراسان با فیروزالدین والی هرات
۹۳	۶- مناسبات دولت قاجار با شاه محمود درانی در دوره دوم سلطنت وی

عنوان	صفحه
۷- یورش فتح‌خان به هرات و خراسان	۹۷
بخش دوم: مناسبات ایران با حکام افغان طی سال‌های (ه ق ۱۲۵۰-۱۲۳۵)	۱۰۴
درآمد	۱۰۵
۱- تشکیل سلسله محمدزایی و روابط این خاندان با ایران	۱۰۵
۲- روابط دولت قاجار با والی هرات طی سال‌های (۱۲۴۴-۱۲۳۵)	۱۱۰
۳- عباس میرزا و لشکرکشی به شرق ایران	۱۱۳
۴- مسأله هرات در سال‌های پایانی عصر فتحعلیشاه با عنایت به نقش انگلیسی‌ها	۱۱۷
۵- شاه‌شجاع مخنوع و انگلیسی‌ها	۱۲۴
نتیجه‌گیری	۱۲۸
فصل چهارم: روابط دولت قاجار با حکام افغان در زمان محمدشاه قاجار (ه ق ۱۲۶۴-۱۲۵۰)	۱۳۱
درآمد	۱۳۲
۱- کشکمش روس و انگلیس در افغانستان	۱۳۳
۲- مناسبات ایران با حکام قندهار و کابل و هرات پیش از یورش به هرات	۱۳۷
۳- اهمیت هرات در نظر انگلیسی‌ها	۱۴۴
۴- تهاجم ایران به هرات	۱۴۶
۵- سفارت میرزا حسین خان آجودان‌باشی	۱۵۰
۶- جنگ اول افغان‌ها و انگلیس و تأثیر آن در روابط ایران با حکام افغان	۱۵۳

صفحه	عنوان
۱۵۶	۷- قیام مردم کابل
۱۵۸	۸- روابط ایران در سال‌های پایانی عهد محمدشاه قاجار با حکام هرات و کابل و قندهار
۱۶۲	نتیجه‌گیری
۱۶۵	حاصل سخن
۱۶۹	منابع و مآخذ
۱۷۶	پیوست اول (اسناد)

تاریخ افغانستان با سلطنت احمدشاه درانی یکی از سرداران نادرشاه افشار آغاز می‌گردد و تا پیش از آن بخش عظیمی از مناطق تحت تملک پادشاه مزبور جزء قلمرو ایران بوده است. اصولاً اطلاق کلمه افغانستان بر مناطق تحت استیلای دولت درانی یکی از سیاست‌های موزیانه انگلیسی‌ها بود که از این طریق بتوانند برای جدایی این بخش از خاک ایران به منظور امنیت بیشتر هندوستان هویت و نام و نشان جدیدی دست و پا کنند. اما این کشور هم‌اکنون هم به جز استقلال سیاسی در دیگر زمینه‌ها پیوند نسبی با ایران دارد. در غالب تحقیقات و کتبی که در مورد مناسبات ایران با سلاطین و حکام افغان به رشته تحریر درآمده است عموماً بر مسئله هرات و چالش‌های میان والی مذکور با دولت ایران و نقش دولت انگلستان در آن میان بحث و تأکید شده است به طوری که تصور می‌شود اصولاً در این دوران هیچ اندیشه‌ای برای تصرف ایالات دیگر مثل قندهار و کابل و یا اقداماتی در این زمینه توسط دولت ایران انجام نشده است. اما در تحقیق حاضر با توجه به اسناد و مدارکی که نگارنده به آن دسترسی داشت روشنی ولو اندک در زمینه مناسبات ایران با حکام کابل و قندهار افکنده شد و البته این راهی است که می‌بایست توسط محققان دیگر تداوم یابد و در این زمینه تا جایی که نگارنده تتبع کرده است تاکنون هیچ تحقیق مستقلی انجام نشده است. اما باید یادآور شد که در غالب سال‌های این دوران به دلیل تسلط سلاطین و حکام افغان بر کابل و قندهار و استقلال آنها از دولت ایران و این مسئله که دولت ایران نیز در مقطع بزرگی از این دوران اقدامی برای استرداد دو ایالت یاد شده مبذول نداشت، موجب شده بود که میان طرفین روابط مؤثری وجود نداشته باشد و بالضروره مناسبات میان ایران و افغانه پیرامون مسئله هرات بود که می‌بایست این مسئله مورد بررسی قرار گیرد.

در مقاطعی که تحولات اروپا بر روابط ایران با سلاطین و حکام افغان تأثیرگذار بود، به‌طور گذرا در این باره هم بحث صورت گرفته است.

به دلیل اینکه آگاهی نسبت به وقایع و حوادث حادث شده در ایران وجود داشت، در این تحقیق سعی شده است که با عنایت بیشتر به وقایع افغانستان و تجزیه و تحلیل آن فهم عمیق تری از مناسبات میان دولت قاجار و حکام افغان حاصل شود.

آگاهی بر روند وقایع و حوادث روی داده در افغانستان برای تجزیه و تحلیل مناسبات افغانه با دولت قاجار حائز اهمیت زیادی است. به عنوان مثال عده کثیری از محققان به دلیل عدم وقوف بر وضعیت افغانستان در دوره سلطنت زمانشاه تغییر خطبه و سکه در هرات را توسط محمود به علت قدرت آقامحمدخان و ترس والی هرات دانسته‌اند در حالی که اگر آنها شرایط داخلی سلطنت درانی را می‌دانستند چنین مسأله‌ای را عنوان نمی‌کردند. این پژوهش در چهار فصل تنظیم شده است. در فصل اول به تأسیس سلسله درانی و مناسبات سلاطین یادشده با شاهرخ و امرای خراسان و ... اختصاص یافته است.

فصل دوم در دو بخش تدوین یافته است. بخش اول مناسبات میان آقامحمدخان قاجار با زمانشاه درانی و در بخش دوم روابط فتحعلیشاه با دولت درانی تا سقوط زمانشاه درانی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم نیز در دو بخش تنظیم شده است: در بخش اول روابط دولت ایران و به‌ویژه والی خراسان با سلاطین درانی و والی هرات و نیز تأثیر تحولات اروپا و شخص ناپلئون بر روابط دوجانبه مورد ارزیابی قرار گرفته است و در بخش دوم این فصل به تأسیس سلسله محمدزائی و تسلط این خاندان بر غالب مناطق تحت استیلای دولت درانی و همچنین مناسبات میان ایران با محمود والی هرات و لشگرکشی عباس میرزا به خراسان و هرات و واکنش دولت انگلستان در این قضیه اختصاص یافته است.

فصل چهارم به بررسی مناسبات ایران در زمان سلطنت محمدشاه قاجار با سه والی قندهار و کابل و هرات پرداخته است. در خاتمه نیز نتیجه‌گیری کلی پژوهش ارائه شده است.

کلیات تحقیق

طرح موضوع:

با تأسیس سلسله قاجاریه بار دیگر وحدت نسبی سیاسی در ایران اعاده شد. اما پیش از این احمدخان ابدالی یکی از سران سپاه نادر، پس از به قتل رسیدن مخدوم خود عازم قندهار شده و حکومتی بنیان گذارد که شامل شهرهایی مثل هرات و کابل و قندهار و ... می شد و به دلیل کشمکش ها و آشوب هایی که در ایران پدید آمده بود جانشینان نادر نتوانستند ایالات مذکور را تحت تملک خود قرار دهند. برعکس این احمدشاه بود که مشهد و نیشابور را مورد تهاجم قرار می داد. خوانین زنده هم که بر بخشی از ایران حکمروایی می کردند اقدام به تصرف دیگر مناطق ایران به ویژه مناطق شرق نمودند. اما زمانی که آقامحمدخان توانست تمام حکام محلی و منطقه ای را براندازد متوجه شرق ایران شد. اما تجاوز روس ها به قفقاز مانع از اقدام خان قاجار در کابل و قندهار گردید. فتحعلیشاه هم طی سلطنت خود گرفتار جنگ مهیب و طولانی با دولت روسیه تزاری شد و این مسأله در عدم توجه به مرزهای شرقی ایران بسیار تأثیرگذار بود. از طرف دیگر انگلیسی ها به دلیل همجواری ایران و مناطق تحت استیلای افغانه با هندوستان سیاست های خاصی را در روابط میان دو دولت ایران و سلاطین و حکام افغان دنبال می کردند که بسیار حائز اهمیت بود.

موضوع پژوهش حاضر از این قرار است که در طول این دوران معمولاً روابط دولت ایران با سلاطین و حکام افغان بر ایالت هرات متمرکز است به طوری که تصور می شود دو ایالت مهم قندهار و کابل از خاک ایران منتزع شده و مرزهای شرقی ایران به هرات ختم می شود...

اما در مقاطعی از این دوران مناسبات دوستانه و نزدیکی میان دولت ایران و حکام کابل و قندهار نیز برقرار گردیده که تحت شرایط خاصی این مناسبات تداوم داشته است. بررسی این شرایط و چگونگی مناسبات میان دولت ایران با حکام افغان در این تحقیق حائز اهمیت زیادی بوده و مورد بررسی قرار گرفته است.

سؤال‌های اصلی تحقیق:

- ۱- آیا سیاست منفعلانه دولت قاجار در شرق ایران ناشی از سلطه‌ایده حاکمیت ایران بر منطقه هرات بود یا اینکه در نظر دولت قاجار شهرهای دیگری مثل کابل و قندهار هم جزء قلمرو ایران بود؟
- ۲- آیا روند جدایی تدریجی بخش‌هایی از ایالات شرقی ایران (کابل و قندهار) معلول توفیق سیاست‌های انگلیس در آن مناطق بود یا این امر از بی‌اعتنایی دولت قاجار به مسایل جاری در آن حدود نشأت می‌گرفت یا اینکه هر دو عامل فوق در آن نقش داشتند؟

فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- سیاست‌های انفعالی دولت قاجار به دلیل درگیری‌هایش در جبهه غرب «عثمانی» و شمال (روس) مانع از توجه جدی و دائمی دولت قاجار به ایالات شرقی ایران می‌شد و اگرچه دولت قاجار کابل و قندهار را نیز مانند هرات جزء لاینفک قلمرو خود می‌دانست و اقداماتی را در این زمینه مبذول می‌داشت اما به دلیل ضعف حکومت و مسائل دیگر موفق به تحکیم سلطه خود بر آن مناطق نگردید.
- ۲- به نظر می‌رسد که در جدایی ایالات شرقی ایران هم سیاست‌های انگلیسی‌ها و هم بی‌اعتنایی و یا اشتغالات دولت قاجار در جانب غرب و شمال نقش اصلی را داشته‌اند.

سابقه تحقیق:

چند اثر محدود در ارتباط با مناسبات ایران با حکام افغان به‌رشته تحریر درآمده که تأکید آن پژوهش‌ها بر مسأله هرات است اگرچه بعضاً به قندهار و کابل نیز توجه دارند. بعضی از مورخان معاصر افغانستان نیز در آثار خود مناسبات میان ایران و حکام افغان را مورد بررسی و عنایت قرار داده‌اند از جمله این محققان

میرمحمد صدیق فرهنگ (افغانستان در پنج قرن اخیر) است و در میان نویسندگان ایرانی اثر معروف محمود محمود در زمینه تاریخ روابط ایران و انگلیس حائز اهمیت است. تحقیق متأخر را در این زمینه محمدعلی بهمنی قاجار انجام داده که بسیار از پژوهش دکتر یوسف متولی حقیقی متأثر است. اثر بهمنی قاجار روابط ایران و افغانستان را در یک دوره وسیع بررسی کرده و بدین خاطر مسائل مطروحه به طور کلی طرح شده است.

ضرورت انجام تحقیق:

ضرورت این تحقیق بیشتر بر این مسأله استوار است که تا کنون تحقیقات انجام شده در زمینه تاریخ روابط ایران و افغانستان از نگاه اسناد، مدارک و منابع دستة اول مربوط به ایران و تاریخ ایران مورد تحقیق و مذاقه قرار گرفته است. حال آنکه پژوهش حاضر عمدتاً به حیث منابع، اسناد و مآخذ دستة اول و تحقیقاتی که محققان افغان انجام داده اند بررسی کرده است و لذا بدین وسیله نکات مشترک و برداشت های هر دو کشور مورد بررسی قرار گرفته و تحقیق حاضر می تواند ادعا داشته باشد که با توجه به مدارک و منابع موجود دو کشور بدون اعمال نظر و حب و بغض نوشته شده است.

اهداف تحقیق:

- ۱- شناخت نظرگاهها و اقدامات دولت مردان قاجاری نسبت به ایالات هرات و به ویژه کابل و قندهار
- ۲- بررسی نقش انگلستان در روابط دوجانبه ایران با حکام افغان
- ۳- اعلام نقطه نظرهای موجود در اسناد، منابع و تحقیقات افغانی و روشن ساختن تفاوت دیدگاه های مورخان

ایرانی و افغان

کاربرد تحقیق:

۱- شناخت دیدگاه‌های محققان دو کشور ایران و افغانستان در باب موضوع

روش انجام تحقیق:

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش تحقیق تاریخی است. در آغاز پس از شناسایی منابع اصلی و نقد و بررسی آنها اطلاعات مستند مربوط به تحقیق فیش برداری شد و سپس با تطبیق داده‌ها با یکدیگر نگارش پژوهش انجام شد.

برای این منظور به مراکز اسناد از جمله مرکز اسناد و آرشیو وزارت امور خارجه، سازمان اسناد ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی و ... مراجعه شد و تنها در مرکز اسناد وزارت امور خارجه در مورد موضوع این پژوهش اسنادی موجود بود و مورد استفاده قرار گرفت.

معرفی منابع:

الف) ناسخ التواریخ: این کتاب تألیف میرزا محمد تقی خان کاشانی ملقب به لسان الملک، متولد در اوایل قرن سیزده هجری قمری (۱۲۱۶) در کاشان است. وی علاوه بر تاریخ نگاری در شاعری هم دست داشت و آثاری از او در این زمینه هم بر جای مانده است. لسان الملک سپهر در سال ۱۲۵۸ ه.ق. به فرمان محمدشاه و به تشویق حاج میرزا آقاسی مأمور نگارش تاریخی شد که سالیان بعد توانست آن را به پایان ببرد. ناسخ التواریخ در تاریخ عمومی و موضوع آن از ابتدای هبوط حضرت آدم تا زمان نویسنده یعنی دهه اول سلطنت ناصر الدین شاه را شامل می‌شود. نکته قابل ملاحظه در اثر سپهر این است که وی روابط دولت قاجار را با حکام افغان به‌طور مبسوط ذکر کرده و می‌توان گفت که کمتر اثر تاریخی در دوران قاجاریه و توسط مورخان ایرانی نوشته شده که به مانند ناسخ التواریخ به جزئیات و ریز مایل وارد شده باشد.

از تألیف سپهر عمدتاً در مناسبات میان آقامحمدخان با زمانشاه درانی (فصل دوم، بخش اول) و نیز روابط دولت قاجار با والی هرات، هجوم فتح‌خان به خراسان و هرات و قضایای متعاقب آن، مناسبات میان قزلباش‌های کابل و دولت ایران و تهاجم عباس میرزا به شرق ایران (فصل سوم) استفاده شده است.

ب) روضه الصفاى ناصرى:

نویسنده این اثر تاریخی مهم رضاقلی خان هدایت است که از مورخان برجسته دوران قاجاریه و صاحب آثاری چند در تاریخ و شعر و ادب است. وی هم با راه یافتن به دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه و دست یافتن بر متن مکاتبات و اسناد سیاسی دولتی، به هنگام تحریر اثر تاریخی خود از آنها بهره فراوان برد. وی در دربار پادشاهان قاجار فردی معتبر بوده و توسط ناصرالدین شاه مأمور سفارت خوارزم نیز شده است. رضاقلی خان سه

جلد بر مجلدات روضه الصفا تألیف میرخواند - مورخ معروف عصر تیموری - افزود که این سه مجلد تاریخ دوران سلطنت سلسله‌های صفویان، زندیان و قاجاریه است که آن را به نام روضه الصفا ناصرلی نامگذاری کرد. رضا قلی خان هدایت روابط دولت مردان قاجاری را با حکام افغان از بدو سلطنت قاجاریه تا عهدنامه پاریس به خوبی بیان نموده است اما در تشریح روابط این دو از تألیف لسان الملک سپهر فرو مرتبه‌تر است و به سخن دیگر هدایت به اندازه صاحب ناسخ التواریخ به جزئیات مسایل دو جانبه دولت قاجار و حکام افغان وارد نشده است. اما آنچه در اثر هدایت قابل ملاحظه است درج مکاتبات کثیری میان دولت ایران و حکام قندهار، کابل و هرات است و نیز روابط قزلباش‌های کابل با دولت قاجار در سال‌های پایانی دوره فتحعلی شاه است. از اثر رضاقلی خان هدایت در مناسبات بین فتحعلیشاه با شاهزاده محمود درانی و یورش دوم فتحعلیشاه به خراسان (فصل دوم بخش دوم) و نیز در روابط دولت ایران با والی هرات (فصل سوم) و مناسبات بین سرداران قندهار با محمدشاه قاجار (فصل چهارم) بهره برده شده است.

پ) تاریخ وقایع و سوانح افغانستان:

نویسنده اثر فوق عنقلی میرزا معروف به اعتضاد السلطنه از فرزندان فتحعلیشاه و دارای تألیفات متعدد در موضوعات مختلف است. اعتضاد السلطنه از معدود نویسندگان ایرانی است که اثری مستقل در مورد افغانستان به رشته تحریر در آورده است. این شاهزاده به مقاماتی چون وزارت علوم، ریاست مدرسه دارالفنون ... نایل آمد و بسیاری اقدامات فرهنگی در زمینه‌های مختلف از او به مرحله عمل درآمد. اثر مذکور با ذکر از نسب افغانه و تقسیم بندی قبایل آن شروع و در ادامه به حوادث پس از قتل نادر که به سلطنت احمدشاه منجر شد، می‌پردازد. اعتضاد السلطنه حوادث سلطنت جانشینان احمدشاه را بیان نموده و به‌ویژه به مداخلات انگلیسی‌ها و شخص مکینل اشاره کرده، جنگ اول افغان‌ها و انگلیسی‌ها را تشریح و با حوادث سال ۱۲۷۳ ه. ق کتاب

خاتمه می‌یابد. از تألیف اعتضادالسلطنه از بخش‌هایی مثل تقسیم‌بندی ایل بزرگ درانی (فصل اول)، امداد دولت قاجار به شاهزاده محمود درانی (فصل دوم) و قیام برادران فتح‌خان علیه شاه محمود (فصل سوم) استفاده شده است.

ت) تاریخ سلطانی:

نویسنده این کتاب سلطان محمدبن موسی خان بارکزیایی متخلص به خالص است که به دلیل اینکه خانواده و اقوام او از اعیان و سرکردگان طایفه بارکزیایی بوده‌اند، در تحریر اثر خود از دیده‌ها و شنیده‌های آنها سود جسته است. وی در دیباچه اثر خود منابع مورد استفاده در نگارش اثر تاریخی خود را بیان نموده و موضوع کتاب در تاریخ افغانه و بیان سلطنت کسانی چون سلطان بهلول، ابراهیم لودی و ... و متعاقب آن ایل ابدالی را مورد بررسی قرار داده و جایگاه این ایل را از دوران صفوی تا به سلطنت رسیدن احمدخان ابدالی ذکر نموده است. در ادامه کتاب سلطنت درانیان را تا قتل شاه شجاع در سال ۱۲۵۸ بیان کرده است. در تاریخ سلطانی به طور مبسوط از روابط عمیق شاه شجاع درانی با انگلیسی‌ها و امداد سران کمپانی به وی برای تسخیر ممالک برادران محمدزایی یعنی دوست محمدخان و کهندل خان در سال‌های ۱۲۴۷ - ۱۲۴۹ هـ ق سخن به میان آمده است. از تألیف موسی خان بارکزیایی در بخش‌های مختلف پژوهش نظیر روابط شاهرخ افشار با احمدشاه درانی (فصل اول) و مناسبات والی خراسان محمدولی میرزا با والی هرات فیروزالدین (فصل سوم) و نیز تهاجم انگلیسی‌ها در سال ۱۲۵۴ به افغانستان بهره‌گرفته شده است.

ث) سراج التواریخ:

این کتاب گرانقدر به خامه ملا فیض محمد کاتب هزاره به رشته تحریر درآمده است. پدرش ریاست یکی از طوایف هزاره را در دست داشته و ملا فیض محمد در سال ۱۲۷۹ هـ ق در غزنه متولد شده است. وی برای فراگیری علم به نقاط مختلف سفر کرد تا زیر نظر اساتید مجرب تلمذ کند ملا فیض محمد که به دربار امیر حبیب‌الله راه یافته بود از جانب امیر مزبور مأمور نگاشتن اثر تاریخی گردید که نام آن برگرفته از لقب امیر عبدالرحمن یعنی سراج المله و الدین نشأت گرفت. سراج التواریخ در اصل در پنج مجلد نوشته شده که هم اکنون سه جلد آن باقی مانده است. بدین معنی که ملا فیض محمد کاتب هزاره سراج التواریخ را از ابتدای حکومت سدوزائیان تا سال ۱۳۱۴ هـ ق. نوشته بود اما به دلیل مفقود شدن دو جلد آخر آن، سراج التواریخ باقی مانده تا سال‌های آغازین حکومت امیر عبدالرحمن را در بردارد. به هر حال جلد اول سراج التواریخ به حکومت درانیان از ابتدای حکومت احمدشاه درانی تا سقوط و از میان رفتن آنها در هرات اختصاص دارد از تألیف کاتب هزاره در جای‌جای این تحقیق و به‌ویژه در مناسبات میان آقامحمدخان قاجار با زمانشاه درانی (فصل دوم) و دخالت انگلیسی‌ها در مناسبات میان حکام افغان با دولت ایران در دوران محمدشاه قاجار (فصل چهار) بهره گرفته شده است.

د) تاریخ درانیان:

کتاب فوق در اصل به «تاریخ احمدشاه درانی» معروف بوده و از نویسندگان آن اطلاعاتی در دست نیست. تنها از بعضی اشارات مترجم کتاب به نام سیدحسین شیرازی دانسته شده که نویسنده آن فردی هندی بوده که اثر خود را به زبان اردو نوشته است. گرچه معلوم نیست نام «تاریخ احمدشاه درانی» را نویسنده هندی بر کتابش گذاشته یا اینکه مترجم آن به این اقدام مبادرت کرده است و اما به دلیل آنکه فقط بخشی از کتاب به